

ده فرمان از ریشه یونانی «deka LogoiF»، به معنای «ده واژه» یا «ده گفتار» گرفته شده و در عبری موسوم به «aseret ha-dvarim» به همان معنا است و نیز نام دیگر «Decalogue» یا احکام ده گانه موسی است (Harrell son, 1962, p. 569). این واژه اشاره است به آیاتی در اسفار خروج و تثبیه که «و او سخنان عهد، یعنی ده کلام را بر لوح‌ها نوشت» (خروج، ۳۴: ۲۸؛ تثبیه، ۴: ۱۳؛ ۱۰: ۴).

به گفته کتاب مقدس یهودیان، سه ماه پس از خروج بنی اسرائیل از مصر، موسی به فرمان خدا به کوه سینا رفت و در آنجا، دو لوح را دریافت کرد که ده فرمان بر آنها نقش بسته بود. این ده فرمان، به «انگشت خدا» نوشته شده بود (خروج، ۳۱: ۱۸؛ تثبیه، ۵: ۲۲)، اما سایر احکام تورات را موسی نوشت (تثبیه، ۳۱: ۹، ۲۴). ده فرمان را به شکل‌های مختلفی شماره کرده‌اند؛ شمارشی که در یهودیت، بیشتر پذیرفته شده چنین است: ۱. من هستم خداوند، خدای تو؛ ۲. تو را خدایان دیگر جز من نباشد؛ ۳. نام خدا را به باطل نبر؛ ۴. روز شبات (شنبه) را گرامی دار؛ ۵. پدر و مادرت را احترام کن؛ ۶. قتل نکن؛ ۷. زنا نکن؛ ۸. دزدی نکن؛ ۹. بر همسایه خود شهادت دروغ نده؛ ۱۰. به ناموس و اموال همسایه خود طمع نورز. مسیحیت، دو فرمان نخست را معمولاً یک فرمان می‌شمارد و فرمان دهم را به دو فرمان تقسیم می‌کند. در این سامانه، فرمان نهم شهوت جسمانی را منع می‌کند و فرمان دهم از طمع به اموال دیگران بازمی‌دارد.

تفاسیر اسلامی قرون وسطا که درباره محتوای ده فرمان، به حضرت موسی، کم سخن گفته است. قرآن تکمیل‌کننده قوانینی است که در تورات بیان شده است. از این رو، دانشمندان مسلمان درباره متن ده فرمان، که ارتباط زیادی با شریعت اسلام نداشته، نیازی به تحقیق تفصیلی احساس نکردند. با این حال، دانشمندانی همچون الحکیم الترمذی، الثعالبی، سیوطی، ابوالحسن الکیسائی، طبری، ابن‌کنبر، ابن‌ندیم از معدود چهره‌هایی هستند که بنابر اهمیت ده فرمان، به نقد و نظر درباره آن پرداخته‌اند.

الحکیم الترمذی، محدث و عارف معروف از طرفداران اعتقاد به برابری دقیق احکام ده گانه کتاب مقدس و قرآن کریم است. ترمذی در مبحث «الکلمات العشر» همچون طبری، به نقل از وهب بن منبه به تفسیر کلمات عشره کتاب مقدس می‌پردازد و تأکید می‌کند که فرامین کتاب مقدس دقیقاً با آیات قرآن کریم قابل تطبیق هستند، و این مطلب را چند بار تکرار می‌کند (ترمذی، ۱۹۹۲، ج ۴، ص ۲۰).

ادیب و مفسر قرآن ابواسحاق الثعالبی دیدگاهی منحصر به فرد دارد. وی در اثر معروف خود، *قصص الانبیاء*، که در نوع خود جامع‌ترین قصص می‌تواند باشد، چندین صفحه از این کتاب را به موضوع «الواح موسی» اختصاص داد (ثعالبی، ۱۴۱۱ق، ص ۸۲۵).

بازشناسی ده فرمان در تورات و قرآن پس از قرون وسطا

بهروز افشار / استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

Afshar.1347@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۲/۷/۱۰ - پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۹

چکیده

این مقاله درصدد بررسی ماهیت ده فرمان و تبیین ارزش آن از نظر محققانی همچون ابن تیمیه، ابن خلدون، سید قطب، ابو عبدالله قرطبی و فخر رازی است. به گفته دانشمندان یهود، تورات مشتمل بر ۶۱۳ حکم است. در میان این احکام، ده حکم اهمیتی ویژه دارند. این فرمان‌ها محور شریعت یهودند و همه احکام شریعت یهود در همین فرامین ریشه دارد. در واقع، قوم اسرائیل با پذیرفتن این فرمان‌ها با خدا هم‌پیمان شده است. تعبیر قرآن کریم از «الواح»، اشاره به دو لوح شامل ده فرمان از کتاب مقدس است که در آیه ۱۴۵ سوره اعراف به آنها اشاره شده است.

نظر به اهمیتی که ده فرمان در نزد عالمان یهود یافت و اشارات دقیق و لطیفی که قرآن کریم به آن دارد، پس از قرون وسطا، حکما و متکلمان و محققانی همچون سید قطب، خطیب تبریزی، ابن تیمیه، ابن خلدون و دیگران با دیدگاه‌های متفاوت، به نقد و بررسی در این باره پرداختند که تفصیل این بحث در این مقاله مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: ده فرمان، تورات، قرآن، قرون وسطا.

سیوطی نیز به ده فرمان تورات اشاره صریحی کرده است. وی ابتدا به نقل از دانشمند نحوی و قرآن‌شناس ابو عبید قاسم بن سلام در این مورد می‌گوید: اگر چه ده فرمان، مربوط به حضرت موسی و تورات است، ولی اولین قسمت از تورات، همان ده آیه از سوره انعام بوده که با این عبارت آغاز می‌شود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ» (سیوطی، ج ۱، ص ۱۱۶).

سیوطی همچنین سخن خویش را با نقل نظر بعضی از دانشمندان موافق خود، که اعتقاد دارند آیات سوره انعام شامل همان ده فرمانی است که خداوند در تورات به موسی نوشت، مورد تأکید قرار می‌دهد.

ابوالحسن الکیسانی، نویسنده معروف، موضوع ده فرمان را با روش متفاوت و کاملاً متمایز شرح می‌دهد. وی در کتابش توصیف می‌کند که چگونه جبرئیل بر موسی فرود آمد و به او گفت: «بلند شو، بر اسب من سوار شو که تاکنون قبل از تو کسی سوار آن نشده، او همچنین به خوانندگان این کتاب متذکر شود که جبرئیل موسی را به مکانی برد که خداوند از قبل با او در آنجا سخن گفت و در هنگام رسیدن به کوه سینا، صدای حرکت قلم را در میان الواح می‌شنید که خداوند به قلم گفت، بنویس» (کیسانی، ۱۹۹۲، ص ۲۲۰).

پس از قرون وسطی نیز دانشمندان زیادی همچون ابو عبد الله قرطبی، فخر رازی، ابن خلدون و ابن تیمیه و سید قطب و... به موضوع ده فرمان کتاب مقدس پرداختند. به تفصیل در این مقاله به آنها پرداخته شده است.

ده فرمان در تورات

سفر خروج از تورات، داستان موسی و بنی اسرائیل و خروج آنها از مصر به سوی سرزمین موعود را بازگو می‌کند. مهم‌ترین دستورات خدا به موسی، که به «ده فرمان» معروف است، در این کتاب آمده است:

خدا این‌گونه سخن گفت:

۱. من خداوند، خدای تو هستم، همان خدایی که تو را از اسارت در مصر آزاد کرد.

۲. خدایان دیگری غیر از من نداشته باش. هیچ‌گونه بتی به شکل آنچه در آسمان یا بر زمین یا در دریاست درست نکن، در برابر آنها خم نشو و آنها را بندگی نکن؛ چون من خدای غیوری هستم و کسانی را که از من نفرت دارند، تا نسل سوم و چهارم مجازات می‌کنم، و بر کسانی که مرا دوست بدارند و از دستوراتم پیروی کنند تا هزار پشت رحمت می‌کنم.

۳. نام مرا بیهوده به زبان نیاور. خدا کسی را که نامش را بیهوده به زبان آورد، بدون مجازات نمی‌گذارد.

۴. روز سبت را به یاد داشته باش و آن را مقدس بدار. در هفته، شش روز کار کن، ولی در روز هفتم، که سبت خداوند است، هیچ کاری نکن. نه خودت، نه پسرت، نه دخترت، نه غلامت، نه کنیزت، نه مهمانت، نه چهارپایانت؛ چون خداوند آسمان و زمین و دریا و هر چه را که در آنهاست، در شش روز آفرید و روز هفتم استراحت کرد. پس او روز سبت را مبارک و مقدس کرد.

۵. پدر و مادرت را احترام کن تا در سرزمینی که خدا به تو خواهد داد، عمر طولانی داشته باشی.

۶. قتل نکن.

۷. زنا نکن.

۸. دزدی نکن.

۹. بر ضد همسایهات شهادت دروغ نده.

۱۰. چشم طمع به مال، ناموس، غلام، کنیز، خر و گاو همسایهات نداشته باش (خروج ۲۰: ۱۷).

سه کتاب بعدی تورات یعنی لاویان، اعداد و تثنیه نیز به سرگذشت بنی اسرائیل و عبور آنها از بیابان برای رسیدن به سرزمین موعود می‌پردازد. حجم زیادی از این کتاب‌ها به جزئیات احکام دینی اختصاص دارد. در سفر تثنیه، ده فرمان دوباره تکرار شده است. این کتاب با مرگ موسی خاتمه می‌یابد.

ده فرمان در قرآن

در قرآن آیاتی نیست که کاملاً بیانگر ده فرمان باشد. اما به نظر می‌رسد در دو مورد، قرآن اشاره به ده فرمان موسی در کوه سینا دارد. یک بار در سوره بقره آیات ۸۳-۸۴ با واژه «عهد» یا «میثاق» به ده فرمان اشاره شده است.

«وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهََ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ» (بقره: ۸۳)؛ یاد آورید هنگامی را که از بنی اسرائیل عهد گرفتم که به جز خدای را نپرستید و نیکی کنید، درباره پدر و مادر و خویشان و یتیمان و فقیران، و به زبان خوش با مردم سخن گوید، و نماز به پای دارید، و زکات مال خود بدهید، پس شما (طایفه یهود) عهد شکسته و روی گردانیدید. به جز چند نفر و شما یید که از حکم خدا برگشتید.

در آیه بعدی با ذکر صریح واژه «میثاق» می‌فرماید: «وَ إِذِ اخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ...» (بقره: ۸۴)؛ و به یاد آرید هنگامی که عهد گرفتیم از شما که خون یکدیگر نریزید، و یکدیگر را از خانه و دیار خود نرانید، پس برآن عهد اقرار کرده و گردن نهادید و شما خود بر آن گواه می‌باشید.

آیات سوره اعراف نیز اشاره دارد به اینکه خداوند خود را بر موسی در کوه سینا آشکار کرد و الواح سنگی مکتوب، که حاوی نصایح و دستورالعمل همه چیز است، به او اعطا کرد، ولی محتوای همه متن این الواح مشخص نیست. قرآن کریم نیز به برخی از آنها در این سوره چنین تصریح می‌کند: «وَ وَاَعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَ اَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتٍ رَبِّهِ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَ قَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَ اصْلِحْ وَ لَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ» (اعراف: ۱۴۲)؛ و با موسی سی شب وعده و قرار نهادیم، چون پایان یافت، ده شب دیگر بر آن افزودیم تا آنکه وعده به چهل شب تکمیل شد. به برادر خود هارون گفت: تو اکنون پیشوای قوم و جانشین من باش و راه صلاح پیش گیر و پیرو اهل فساد مباش.

«وَ لَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَ كَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ اُرْنِي اَنْظُرْ اِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَايَ وَ لَكِنْ اَنْظُرْ اِلَى الْجَبَلِ فَاِنْ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ نَرَايَ فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسَى صَاعِقًا فَلَئِمَّا اَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ اِلَيْكَ وَ اَنَا اَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ» (اعراف: ۱۴۳)؛ و چون موسی با هفتاد نفر وعده‌گاه ما آمد و خدا با وی سخن گفت. عرض کرد که خدایا خود را به من آشکار بنما که تو را مشاهده کنم. خدا در پاسخ او فرمود: مرا تا ابد نخواهی دید و لیکن در کوه بنگر اگر کوه به جای خود برقرار ماند، تو نیز مرا خواهی دید. پس آنگاه که نور تجلی خدا بر کوه تابید، کوه را متلاشی ساخت و موسی بی‌هوش افتاد. عرض کرد خدایا، تو منزّه و برتری به درگاه تو توبه کردم و من اول کسی هستم که به تو و تنزه ذات پاک تو ایمان دارم.

«قَالَ يَا مُوسَى اِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَ بَكَلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ» (اعراف: ۱۴۴)؛ خدا فرمود: ای موسی من تو را برای اینکه پیغام‌های مرا به خلق برسانی، برگزیدم و به هم‌صحبتی خویش انتخاب کردم، پس آنچه که به تو فرستادم کاملاً فراگیر و شکر و سپاس الهی را به‌جای آور.

«وَ كَتَبْنَا لَهُ فِي الْاَلْوَاحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَ تَفْصِيلاً لِكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَ اْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ» (اعراف: ۱۴۵)؛ و در الواح از هر موضوع برای نصایح و پند و هم تحقیق هر چیز به موسی نوشتیم و دستور دادیم به قوت فراگیر قوم را دستور ده که نیکوتر مطالب آن را اخذ کنند که پستی مقام و منزلت فاسقان را به زودی به شما نشان خواهیم داد.

نقد و بررسی دیدگاه‌ها

مفسران مسلمان از جمله طبری و رازی معتقدند که آیات ۸۳-۸۴ سوره بقره، نمونه‌هایی است که دلالت بر اوضاع و احوال یهودیان، و ویژگی‌های آنها و چگونگی برخورد قوم یهود با مسلمانان می‌کند. همچنین این آیات بر نقض میثاق الهی از سوی بنی‌اسرائیل در کوه سینا تأکید می‌کند. برخورد خصمانه یهود با پیامبر ﷺ در مدینه در طول حیات پیامبر اکرم ﷺ شاهد بر این مدعاست. جزئیات این مطلب در سوره بقره آیه ۸۴ آمده است.

مفسران مسلمان قرون وسطی، عموماً این عقیده را توسعه داده و بر این هستند که ده فرمان تورات در قرآن کریم نیز آمده است، ولی کاملاً از جهات گوناگون در لفظ و معنا یکسان نیستند (William, 1930, p. 67). این مفسران آیه ۱۴۵ سوره اعراف را تا حد زیادی بیانگر تطبیق الواح موسی و روش زندگی او با روش زندگی پیامبر اکرم ﷺ، می‌دانند (همان).

ادیب و مفسر قرآن ابواسحاق ثعالبی، یکی از برجسته‌ترین مفسرانی است که به تحقیق درباره‌ی ده فرمان تورات در قرآن کریم پرداخته است و دیدگاهی منحصر به فرد دارد. وی در اثر معروف خود، *قصص الانبیاء*، که در نوع خود جامع‌ترین قصص می‌تواند باشد، چندین صفحه از این کتاب را به موضوع الواح موسی اختصاص داده است (ثعالبی، ۱۴۱۱ق، ص ۸۲۵). به‌عنوان نمونه می‌نویسد:

خداوند جبرئیل را به بهشت فرستاد تا درختی را قطع کند و از آن، نه لوح درست کند. هریک از این نه لوح دقیقاً متناسب با قدرت بازوی موسی درست شده است. درختی که از آن، الواح درست شده است از جنس زفر سرد سبز بود. همچنین گفته شده است که خداوند قلمی از نور درست کرد که بلندتر از مسافت میان آسمان و زمین بود و در روز جمعه تورات را بر الواح با دست خود برای موسی نوشت. سپس خداوند جبرئیل را به همراهی بسیاری از فرشتگان فرستاد تا الواح را به نزد موسی بیاورند و در کوه سینا الواح را برای او باز کنند. (Hindy, 2006, p. 313-33).

ثعالبی همچنین فصلی را با عنوان «نسخة العشر الکلمات» اختصاص می‌دهد که خداوند در الواح برای پیامبر برگزیده‌اش، موسی ﷺ، بخش عمده تورات را نوشت (ثعالبی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۸۰). وی در پایان این فصل با صراحت می‌نویسد: «اینها، کلمات ده فرمان هستند. خداوند همه آنها را به پیامبر محمد ﷺ در هیجده آیه از سوره بنی‌اسرائیل اعطا کرد و با این فرمان آغاز می‌شود: «وَ قَضَى رَبُّكَ اَلَّا تَعْبُدُوْا اِلَّا اِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا...» (اسراء: ۲۳)؛ تا آنجا که می‌فرماید: «ذَلِكَ مِمَّا اُوْحِيَ اِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ» (اسراء: ۳۹). این از چیزهایی است که خدایت از روی حکمت به تو وحی کرده است (همان، ص ۱۸۱).

علاوه بر این، *ثعالبی* این کلمات را در سه آیه از سوره انعام خلاصه می‌کند که با این کلمات آغاز می‌شود: «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَاناً وَلا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ...» و نتیجه می‌گیرد که خداوند با این فرامین به شما سفارش کرد، شاید که تقوای او داشته باشید «ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (انعام: ۱۵۳). به نظر *ثعالبی* قرآن کریم تمام احکام دهگانه موسی را دربر دارد. البته به صورت کلی، چنانکه ده فرمان این‌گونه است. دیگر اینکه تمامی احکام دهگانه موسی در هیجده آیه از بنی اسرائیل به محمد ﷺ نازل شد که دقیقاً در سه آیه سوره انعام خلاصه شده است (همان).

ثعالبی در ادامه، آیات قرآنی‌ای را که دربردارنده احکام دهگانه شریعت موسی است، به شرح ذیل بیان می‌کند:

فرمان اول: «وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ» (اسراء: ۲۳).

فرمان دوم: «وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَاناً إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ وَ لا تَنْهَرُهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيماً وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمَهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيراً رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلأَوَّابِينَ غَفُوراً» (اسراء: ۲۴)؛ و خدای تو حکم فرموده که جز او هیچ‌کس را نپرستند و درباره پدر و مادر نیکی‌ی کنید. چنانچه که هر دو یا یکی از آنها پیر و سالخورده شوند، زنهار کلمه‌ای که رنجیده‌خاطر شوند مگویند و کمترین آزار به آنها مرسانید و با ایشان به اکرام و احترام سخن گویند.

و همیشه پر و بال تواضع و تکریم را با کمال مهربانی نزدشان بگستران و بگو پروردگارا، چنان‌که پدر و مادر، مرا از کودکی به مهربانی پروردند، تو در حق آنها رحمت و مهربانی فرما. خدای به آنچه در دل‌های شماست از خود شما داناترست، اگر همانا در دل اندیشه صلاح دارید، خدا هر که را با نیت پاک به درگاه او تضرع و توبه کند، البته خواهد بخشید.

فرمان سوم: «وَ آتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ لا تُبَدِّرْ بَدْريراً إِنْ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُوراً وَ إِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُوراً وَ لا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَ لا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُوماً مَحْسُوراً إِنْ رَبُّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبيراً بَصيراً» (اسراء: ۲۹)؛ حقوق خویشانان و ارحام خود را ادا کن و نیز فقیران و رهگذران بیچاره را به حق خودشان برسان و هرگز اسراف روا مدار. که مبدران و مسرفان برادر شیطانند و شیطان است که سخت کفران نعمت پروردگار خود کرد و چنانچه از ارحام

و فقیران ذوی‌الحقوق مذکور به‌خاطر به‌دست آوردن رحمت پروردگارت که امید آن داری اعراض کردی، پس با گفتار نرم و آسان آنها را از خود دلشاد کن، نه هرگز دست خود محکم بسته دار و نه بسیار باز گشاده دار که هر کدام کنی، به نکوهش و حسرت خواهی نشست، همانا خدای تو هر که را خواهد روزی وسیع دهد و هر که خواهد تنگ روزی گرداند که او به بندگان کاملاً آگاه و بصیر است.

فرمان چهارم: «وَ لا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشِيَةً إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَ إِيَّاكُمْ إِنْ قَتَلْتُمْ إِيَّاهُمْ كَانَتْ خِطاً كَبِيراً» (اسراء: ۳۱)؛ فرزندان خود را از ترس فقر به قتل نرسانید که ما رازق شما و آنها هستیم؛ زیرا این قتل فرزندان، بسیار گناه بزرگی است.

فرمان پنجم: «وَ لا تَقْرَبُوا الزَّوْجَةَ إِذْ هِيَ حَائِضَةٌ وَ سَاءَ سَبِيلاً» (اسراء: ۳۲)؛ و هرگز به عمل زنا نزدیک نشوید که کاری بسیار زشت و راهی بسیار ناپسند است.

فرمان ششم: «وَ لا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَاناً فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُوراً» (اسراء: ۳۳)؛ و هرگز نفس محترمی را که خدا قتلش را حرام کرده، مکشید مگر آنکه بحکم حق، مستحق قتل شود و کسی که خون مظلومی را به ناحق بریزد، ما به او حکومت و تسلط بر قاتل دادیم. پس در مقام انتقام از قتل و خون‌ریزی اسراف نکند که او از جانب ما مؤید و منصور خواهد بود.

فرمان هفتم: «وَ لا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنْ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُلاً» (اسراء: ۳۴)؛ و هرگز به مال یتیم نزدیک نشوید، مگر آنکه راه خیر و طریق بهتری منظور دارید تا آنکه به حد بلوغ و رشد برسد و همه به عهد خود باید وفا کنید که البته از عهد و پیمان سؤال خواهد شد.

فرمان نهم: «وَ لا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنْ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُلاً» (اسراء: ۳۶)؛ و هرگز بر آنچه علم و اطمینان نداری، دنبال مکن که چشم و گوش و دل‌ها همه مسئولند.

فرمان دهم: «وَ لا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحاً إِنَّكَ لَنْ تُخْرِقَ الْأَرْضَ وَ لَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طَوْلاً كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهاً ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَ لا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهاً آخَرَ فَتَقْتُلِي فِي جَهَنَّمَ مَلُوماً مَذْخوراً» (اسراء: ۳۷)؛ هرگز در زمین به کبر و ناز راه مرو که به نیرو زمین را نتوانی شکافت و به کوه در سر بلندی نخواهی رسید. از این قبیل کارها و اندیشه‌های بد همه نزد خدا ناپسند خواهد بود. این از چیزهایی است که خدایت از روی حکمت به تو وحی کرده است و با خدای یکتا کسی را به خدایی می‌پرست و گرنه ملامت و مردود به دوزخ خواهی در افتاد.

همچنین *ثعالبی* آیات ۱۵۱-۱۵۳ سوره انعام را با احکام دهگانه موسی علیه السلام قابل تطبیق می‌داند. آیات فوق را به شرح ذیل بیان می‌کند.

فرمان اول: «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا...» (انعام: ۱۵۱)؛ بگو ای پیامبر، بیایید تا آنچه خدا بر شما حرام کرده همه را به راستی بیان کنم. در مرتبه اول اینکه به خدا به هیچ وجه شرک نیاورید.

فرمان دوم: «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا...» (همان)؛ درباره پدر و مادر احسان کنید.

فرمان سوم: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ...» (همان)؛ و فرزندانتان را از بیم فقر نکشید ما شما و آنها را روزی می‌دهیم.

فرمان چهارم: «وَلَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ...» (همان)؛ و به کارهای زشت آشکار و نهان نزدیک نشوید.

فرمان پنجم: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (همان)؛ و نفسی را که خدا حرام کرده جز به حق به قتل نرسانید، شما را خدا بدان سفارش نموده، شاید که تعقل کنید (تا از روی عقل و فهم کار بندید و سعادت یابید).

فرمان ششم: «وَلَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ...» (انعام: ۱۵۲)؛ و هرگز به مال یتیم نزدیک نشوید تا آنکه به حد رشد و کمال رسد.

فرمان هفتم: «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا...» (همان)؛ و به راستی کیل و وزن را تمام بدهید که ما هیچ کس را جز به قدر و توانایی تکلیف نکرده‌ایم.

فرمان هشتم: «إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى...» (همان)؛ و هرگاه سخنی گوید به عدالت گرایید و هرچند درباره خویشاوندان باشد.

فرمان نهم: «وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (همان)؛ و به عهد خدا وفا کنید (اوامر و نواهی خدا را اطاعت کنید) این است سفارش خدا به شما، شاید که متذکر و هوشمند شوید.

فرمان دهم: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (انعام: ۱۵۳)؛ و این است راه راست. از آن پیروی کنید و از راه‌های دیگر که موجب تفرقه شماست جز از راه خدا متابعت نکنید. این است سفارش خدا به شما، شاید که پرهیزکار شوید.

بنابراین، اگر محتوای آیات مربوط در سوره‌های انعام و اسراء قرآن کریم، با فقرات مرتبط در عهد

عتیق مورد مقایسه و تطبیق قرار گیرد، می‌توان گفت: شباهت زیادی میان ده فرمان کتاب مقدس و فرامین قرآن کریم وجود دارد.

دانشمندان زیادی پس از قرون وسطی به موضوع ده فرمان کتاب مقدس پرداختند. از جمله آنها فقیه و متکلم حنبلی، ابن تیمیه می‌گوید: «مهم‌ترین فرمان خداوند که در عین حال اولین فرمان از احکام دهگانه تورات (الکلمات العشر) است، ایمان و تصدیق به وحدانیت و بی‌همتایی اوست. همچنین اسم دیگر آن، «الوصایا العشر» است که حاوی سوره الانعام و معادل آن در قرآن کریم است» (ابن تیمیه، ۱۹۹۷، ج ۱، ص ۲۹۶). به علاوه می‌توان گفت: ابن تیمیه اولین دانشمند مسلمان است که نام‌های متفاوتی را برای ده فرمان کتاب مقدس از جمله الکلمات العشر و نیز الوصایا العشر به کار برد (همان).

ابوالعباس قلقشندی فقیه و وزیر در حکومت ممالیک می‌نویسد: «الکلمات العشر یا ده فرمانی که به موسی نازل شد در حقیقت خلاصه تورات است و مثل قرآن شامل اوامر و دستورات عملی‌ها و به قول قرآن، تبیان کل شیء و مبین همه مسائل است» (قلقشندی، ۱۹۸۱، ج ۲، ص ۴۶۵) نکته قابل توجه این است که *قلقشندی* همچون دیگر عالمان مسلمان قرون وسطی، به صراحت ده فرمان کتاب مقدس را کاملاً با آیات قرآنی قابل تطبیق نمی‌داند.

محدث معروف دیگر، خطیب تبریزی است. وی هرچند غیرمستقیم به احکام دهگانه موسی می‌پردازد، ولی اهمیت قابل توجهی برای آن قائل است. ایشان در ضمن حدیث ذیل، به موضوع ده فرمان اشاره می‌کند: «یک یهودی از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره آیات نه‌گانه به‌عنوان معجزات حضرت موسی سؤال کرد. پیامبر سؤال را با تفسیر ده فرمان کتاب مقدس، از جمله دستور به رعایت و حفظ روز شنبه، پاسخ داده است (خطیب تبریزی، ج ۱، ص ۵۸).

ابن خلدون، مورخ، جامعه‌شناس و فیلسوف می‌نویسد:

بعد از اینکه موسی و بنی‌اسرائیل به دنبال تعقیب فرعون و لشکرانش از مصر گذشتند، چند ماجرا اتفاق افتاد: اول اینکه موسی با خداوند در کوه طور مناجات کرد. بعد از آن، خداوند معجزاتی به موسی عطا کرد. دوم اینکه، الواح بر او نازل شد و به ادعای بنی‌اسرائیل، الواح شامل دو لوح بود، که شامل ده فرمان یا الکلمات العشر به شرح ذیل می‌باشد:

اقرار به یگانگی خدا؛ حفظ روز شنبه و کار نکردن در این روز مقدس؛ نیکی به پدر و مادر در طول زندگی؛ خودداری از قتل؛ پرهیز از زنا؛ ترک دزدی؛ پرهیز از شهادت دروغ؛ طمع نداشتن به خانه همسایه؛ طمع نکردن به زن همسایه؛ طمع نکردن به مال همسایه و هر چیزی دیگر. اینها هستند ده فرمانی که الواح موسی حاوی آن است (ابن خلدون، ۱۹۸۴، ج ۲، ص ۹۴-۹۵).

دانشمند و مفسر مالکی مذهب، *ابوعبدالله قرطبی*، در تفسیرش از آیات ۱۵۱ تا ۱۵۳ سوره انعام، با

استفاده از سخن کعب بن احبار، یهودی مسلمان شده، آیات این سوره را مفتوح التواره می نامد (قرطبی، ۲۰۰۱، ج ۷، ص ۱۳۱). قرطبی همچنین به نقل از ابن عباس می گوید: «معانی این آیات (انعام: ۱۵۱-۱۵۳)، بسیار روشن و از آیات محکم محسوب می شود. تمام ادیان موجود در عالم بر آن اتفاق نظر دارند. ده فرمانی که به موسی نازل شد، در اصل همین آیات هستند» (همان).

قرطبی با بیان این مطلب که این آیات نشانگر فرمان خداوند به پیامبرش، موسی است، نتیجه می گیرد که خداوند به موسی در آن زمان دستور داد تا همه انسانها را به پیروی از این فرامین فراخواند: «هذه الآیه امر من الله تعالى لبئیه موسی علیه السلام بان يدعو جميع الخلق الی ما حرم الله تعالى» (همان، ص ۱۳۲).

فخر رازی، یک قرن قبل از قرطبی، نظریه ای بسیار جالب را مطرح کرده است. فخر رازی میان دستوراتی که آیات (۱۵۱-۱۵۳) سوره انعام داراست و کتابی که به موسی داده شده و در آیه بعدی ۱۵۴ سوره انعام ذکر شده است، تفاوت قائل است. او می گوید: «دستورات قرآنی جاودانه هستند و مربوط به همه انسانها در همه زمانهاست، ولی تورات به موسی داده شده و مربوط است به زمان موسی. از این جهت، فخر رازی در تفسیر آیات (۲۲-۳۹) سوره الاسراء، به ارزش جهانی دستورات و تعالیم قرآن کریم تأکید کرده، می گوید: «تعالیم و قوانینی را که در این سوره آمده، در همه ادیان وجود دارد و وجه اشتراک همه ادیان را نشان می دهد» (فخر رازی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۰، ص ۱۷۱). «ان الاحکام المذكورة فی هذه الآیات شرائع واجبة الرعاية فی جميع الاديان و الملل» (همان).

دانشمند مغربی، محمد الامین الشنقیتی با نقل حدیثی از ابن مسعود این گونه به این موضوع می پردازد: «هر کس می خواهد آخرین و مهم ترین دستور و وصیت پیامبر خدا را بشناسد باید ده فرمان را (الوصایا العشر)، که در آیات ۱۵۳-۱۵۱ سوره انعام بیان شده، بخواند» (ابن کثیر، ۱۳۸۹ق، ج ۲، ص ۱۸۸). الشنقیتی این حدیث را با توجه به سخن عبدالله بن مسعود، یکی از نزدیک ترین صحابه پیامبر اسلام و یکی از پیش قراولان تفسیر قرآن مطرح کرده است (همان).

عبد الحمید صدیقی از زمره دانشمندان مسلمان معاصر است که اعتقاد دارد، ده فرمان کتاب مقدس، قبلاً به حضرت ابراهیم علیه السلام موحّد مسلمان و سپس به حضرت موسی داده شده است (peters, 1990, vol.2, p. 22).

این نظر، ایده یکسانی ادیان و اینکه همه پیامبران از یک اصل (توحید) پیروی می کردند، تأیید می کند. همچنین ایشان در توضیح ده فرمان کتاب مقدس، از سوره انعام قرآن کریم استفاده می کند (Siddigui, 1976, p. 530).

دانشمند معاصر شیعی مذهب هندی، سید میر احمد علی در این باره می گوید: «عهد عتیق یادآور دستوراتی است که سوره بقره آیه ۸۴ به آن اشاره می کند و نیز در سفر خروج ۲۰: ۱۱-۱۷ آمده است. همه مسلمانان مأمور به این فرامین هستند» (Mir Ahmad Ali, 1964, p. 123-124).

متفکر آزاداندیش مسلمان، محمد شحرور سوری الاصل، با استناد به آیات ۱۵۱ سوره انعام به جاودانه بودن و بی زمانی کلام خداوند و تجلی اش در قرآن اشاره می کند. او در کتاب *الکتاب و القرآن و القراءة المعاصرة* می گوید: «اگر ما در این آیات تأمل کنیم به روشنی می فهمیم که آنها همان ده فرمان کتاب مقدس هستند» (الشحرور، بی تا، ص ۶۵).

سید ابوالعلاء مودودی، فعال سیاسی و مسلمان بانفوذ حیدرآباد می گوید:

کاتالوگ دستوراتی که در سوره الاسراء آمده است، اساسی ترین اصول و تعالیم دین اسلام را بیان می کند که اسلام براساس این تعالیم می خواهد جامعه و زندگی بشری را بسازد و این فرامین دربردارنده مسائلی در همه زمینه ها چون حکومت، اجتماع و امور خانواده است که در مکه، اندکی پیش از هجرت بر پیامبر اسلام نازل شد و در آغاز این عصر جدید، جامعه و حکومت اسلامی نو پا براساس این اصول قانونی، اخلاقی فرهنگی، اقتصادی و ایدئولوژیک بنیان نهاده شد (مودودی، بی تا، ص ۱۳۰-۱۳۶).

آخرین نظریه از آن سید قطب است. این دانشمند در تفسیر آیات ۱۵۱-۱۵۳، سوره انعام می گوید:

با تأمل بر روی ده فرمان می فهمیم که این آیات چشم انداز کامل دین اسلام است. این آیات مهم ترین عنصر حیات بشری و وجدان انسانی را (اعتقاد به وحدانیت خداوند) و نیز اساسی ترین اصول حفظ بنیان خانواده، جامعه و امنیت متقابل فرد و جامعه، که حقیقتاً برای زندگی اجتماعی و تضمین حقوق افراد لازم است، بیان می کند (سید قطب، ۱۹۹۹، ج ۳، ص ۱۲۲۹).

لازم به یادآوری است که سید قطب در این کتاب، درباره جهان شمولی اسلام بحث می کند و از تحقیق در این آیات، نتیجه می گیرد که این دستورات اساسی و روشن، که در آیات ۱۵۳-۱۵۱ سوره انعام آمده است، خلاصه ای از ایمان اسلامی و قوانین اجتماعی است. «هذه القواعد الاساسية الواضحة التي تلخص العقيدة الاسلامية و شریعتها الاجتماعية مبدوءة بالتوحيد و مختومه بعهد الله» (همان، ص ۱۲۳۴).

نتیجه گیری

از مجموع آنچه گذشت، می توان گفت:

پس از قرون وسطا محققان بسیاری به مطالعه و بررسی ده فرمان در کتاب مقدس و قرآن کریم پرداخته و سعی در تطبیق آنها داشتند که از آنها می توان به *ابن تیمیه، ابن خلدون، ابوعبدالله قرطبی، محمد امین الشنقیتی، عبدالمجید صدیقی، سید میر احمد علی، سید قطب، خطیب تبریزی* اشاره کرد.

در میان این دانشمندان، تعداد قابل توجهی همچون ابن تیمیه، ابن خلدون، ابو عبدالله قرطبی، محمد امین الشنقیتی، عبدالمجید صدیقی، سید میراحمد علی و دیگران از موافقان نظریه برابری ده فرمان کتاب مقدس با قرآن کریم هستند. تعدادی نیز از قبیل سید قطب و سید ابوالعلاء مودودی، خطیب تبریزی و شهاب‌الدین قلقشنندی، به‌طور ضمنی و غیرصریح با این برابری موافق هستند. درحالی‌که، برخی دیگر که تعداد آنها بسیار کم است، همچون فخر رازی، نظریه مخالف دارد. وی معتقد است: میان دستوراتی که آیات (۱۵۱-۱۵۳) سوره انعام داراست و کتابی که به موسی داده شده و در آیه بعدی ۱۵۴ سوره انعام بیان شده است، متفاوت است. همچنین او می‌گوید: «دستورات قرآنی جاودانه هستند و مربوط به همه انسان‌ها در همه زمان‌هاست، ولی تورات به موسی داده شده و مربوط است به زمان موسی».

منابع

ابن تیمیه، تقی‌الدین احمد بن عبدالحلیم، ۱۹۹۷، *تلخیص کتاب الاشتقاق المعروف بالرد علی البکری*، ج ۱، مدینه، مکتب الغربا، ۱۹۹۷.

ابن کثیر، دمشقی اسماعیل بن عمر، ۱۳۸۹ق، *تفسیر القرآن الاعظم*، ۸ مجلدات، بیروت، دارالفکر.

ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد، ۱۹۸۴، *تاریخ ابن خلدون=تاریخ العبر*، بیروت.

ترمذی، ابو عبدالله، ۱۹۹۲، *نوادراصول فی احادیث الرسول*، بیروت، دارالجلیل.

التعالی، ابواسحاق، ۱۴۱۱ق، *قصص الانبیاء المسمی بعرائس المجالس*، قاهره، دارالاحیاء.

خطیب التبریزی، ولی‌الدین ابو عبدالله، ۱۹۹۱، *مشکاة المصابیح*، بیروت، دارالفکر.

سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، ۱۴۱۶، *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت، دارالفکر.

سیدقطب، ۱۹۹۹، *فی ضلال القرآن*، بیروت، دارالاحیاء للتراث العربی.

شحرور، محمد، بی تا، *الکتاب والقرآن*، دمشق، الاهالی للطباعة والنشر والتوزیع.

شنقیتی، محمد الامین بن محمد بن المختار الجکینی، ۱۹۹۵، *اضواء البیان*، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر.

فخررازی، محمد بن عمر، ۱۴۱۱ق، *التفسیر الکبیر*، بیروت، بی تا.

قرطبی، ابو عبدالله، ۲۰۰۱، *الجامی*، بیروت، دارالفکر.

قلقشنندی، ابوالعباس احمد بن احمد الفزاری الشافعی، ۱۹۸۱، *صبح الاعشی فی کتابه الانشاء*، دمشق، وزاره الثقافه.

کیسانی، محمد بن عبدالله، ۱۹۹۲، *قصص الانبیاء*، سوریا، جامعه دمشق.

مودودی، سیدابول، بی تا، *تفهیم القرآن*، لاهور، النشر الاسلامی.

Harrelson, W.J, 1962, *Ten Commandments In The Interpreter,s Dictionary Of The Bible*, v4, Abingdon Prees, NewYork.

Hindy, Najman, 2006, *Anglesat Sinai: Egegesis, Theology And Interpretative Authority*, Oxford University Press, NewYork.

Mir Ahmad Ali, syed, 1964, *A Commentary On The Holy Quran, With English Translation Of The Arabic Text*, Karachi, Sterling Printing.

Peters, F.E, 1990, *Judaism, Christianity, And Islam*, Princeton, Princeton University Press.

Siddigi, Abdul Hameed, 1976, *The Hole Quran*, Lahore, Islamic Book Centre.

William, Marmaduke, 1930, *The meaning Of The Glorious Ooran: An Explanatory Translation*, Kenopf Prees, Londen.

William, Marmaduke, 1930hk, *The Meaning Of The Glorious Quran: An Explanatory Translation*, Kenopf press, Londen, 1930hk.